

این موارد نه قابل تحقیق و اثبات است و نه نیاز است

شماره پرسش: ۲۰۳۸۷

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۶/۷/۴ ۰۷:۱۲:۳۹

متن پرسش

با سلام: نظر دکتر گرانقدر را در ارتباط با علم عباس دزفول می‌خواستم؟ واقعاً مهم است؟ آیا مطلب ذیل سندیت دارد؟ حدود ۲۵۰ سال پیش خرمن‌های گندم یک کشاورز خود به خود برکت پیدا می‌کند و موقع جدا کردن گاه از گندم متوجه می‌شود که یک شی نسبتاً سنگین طلایی و براق به زمین می‌افتد که نمی‌داند چیست. به هر صورت آن را به همراه گندم‌ها به خانه می‌آورد و در انبار می‌گذارد. وی افزود: صاحب گندم‌ها فردا که می‌خواهد به انبار برود می‌بیند مقداری از گندم‌ها از روی دیوار به بیرون ریخته است. تصور می‌کند دزد به انبار زده ولی می‌بیند درها همه قفل هستند و انبار از فرط زیادی گندم سرریز کرده است. پیش خود فکر می‌کند که شاید وجود این فلز براق باعث برکت گندم‌ها شده است. بنابراین آن را به افراد بزرگ شهر و به چند زرگر از جمله شخصی به نام مرحوم حاج محمود زرگر نشان می‌دهد. پس از این که فلز را بررسی می‌کنند معلوم می‌شود که این فلز براق تیکه‌ای از کلاه خود حضرت عباس (ع) بوده که پس از جنگ کربلا توسط یکی از سپاهیان عمر سعد به غنیمت برده شده است. مورث نوری ادامه داد: پس از جنگ کربلا یزید آن شخص را به پستی در نواحی جندی شاپور (دزفول کنونی) منصوب می‌کند. وی در حالی که به محل تصدی پست خود از کوفه به جندی شاپور راهی می‌شود و در حالی که قسمتی از کلاه خود حضرت عباس را همراه خود دارد در نزدیکی جندی شاپور از اسب به زمین می‌افتد و همان جا فوت می‌کند. از آن به بعد برای آن علمک و پنجه‌ای می‌سازند و تیکه کلاه را روی آن نصب می‌کنند و در محفظه مزین و مشبکی در آن محل نگهداری می‌شود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این موارد نه قابل تحقیق و اثبات است و نه نیاز است که ما آن بزرگان را از این زاویه بنگریم. آن‌ها راه زندگی را برای ما گشودند و به همین جهت چون این موارد ما را نسبت به آن هدف غافل می‌کند، باید به این موارد اعتماد نداشت. موفق باشید